



## مطالعه مؤلفه‌های هوش اخلاقی در پرتو اندیشه‌های امام علی (ع) در نهج البلاغه

محسن فرهادی نژاد<sup>۱\*</sup>، فاطمه خانی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۱

### چکیده

همگام با اهمیت یافتن روزافزون موضوع اخلاقیات در جهان امروز و با توجه به وجود مفاهیم عمیق در آثار ائمه (ع)، بررسی مصادیق هوش اخلاقی در نهج البلاغه، به‌عنوان یک مفهوم نوظهور در حوزه اخلاقیات، مدنظر پژوهشگران قرار گرفت و از طریق مطالعه عمیق و سطر به سطر کتاب گرانقدر نهج البلاغه و با استفاده از روش تحلیل مضمون، کلیه خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های آن حضرت بررسی و مصادیق هوش اخلاقی در نهج البلاغه استخراج گردید. در بررسی اولیه متن، قریب به ۱۲۰ کد شناسایی شد که پس از پالایش مجدد، کدهایی که همپوشانی مفهومی داشتند در قالب مفاهیم مشترک سازماندهی گردیدند و در نهایت، طبقاتی از مفاهیم شکل گرفت که حاصل آن در قالب ۱۳ مؤلفه، در این نوشتار عرضه شده است. در حال حاضر و بر مبنای نقطه‌نظرات پژوهشگران مختلفی که در این عرصه به تحقیق پرداخته‌اند، مؤلفه‌هایی از جمله رفتار مستمر در جهت ارزش‌های اخلاقی، خودکنترلی، ایستادگی برای حق اهمیت قائل شدن برای دیگران، وفای به عهد، صداقت، انصاف، پذیرش مسئولیت تصمیمات خود، توانایی بخشش خود، توانایی بخشش دیگران، مهربانی و نوع‌دوستی شناسایی شده‌اند. در نتیجه پژوهش حاضر، با محور قرار دادن ماهیت هوش اخلاقی، امکان تقویت مفهوم هوش اخلاقی با معرفی سه مؤلفه جدید به مجموعه عناصر موجود در ادبیات هوش اخلاقی فراهم گردید که عبارتند از: داشتن معنا در زندگی، آخرت‌اندیشی و باور به نظارت مستمر الهی.

**کلیدواژه‌ها:** اخلاق، نهج البلاغه، انواع هوش، هوش اخلاقی، مؤلفه‌های هوش اخلاقی.

۱. استادیار گروه مدیریت صنعتی، دانشگاه سمنان

۲. کارشناسی ارشد مدیریت، دانشگاه سمنان

\*: نویسنده مسئول

## ۱. مقدمه

در میان طیف گسترده مفاهیم اخلاقی، مقوله‌ای که در سال‌های اخیر (از سال ۲۰۰۵) ظهور و رشد نموده است، مفهوم هوش اخلاقی می‌باشد که به‌عنوان توانایی درک درست از نادرست و قابلیت ماندن در مسیر درست تلقی می‌شود. همان‌گونه که یافته‌های مطالعات نشان می‌دهند، این امکان که افراد بتوانند هوش اخلاقی خود را افزایش دهند و مهارت‌های اخلاقی‌شان را تقویت کنند، وجود دارد (ولیکانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۶)؛ بنابراین با توجه به اهمیت این مضمون و قرابت موضوعی آن با تعالیم انسان‌ساز اسلام و به‌ویژه مضامین جاویدان نهج‌البلاغه در حوزه اخلاقیات، در این مقاله هوش اخلاقی و نشانگان آن در کلام امام علی(ع) مورد بررسی قرار خواهد گرفت. به‌دلیل تازگی این مفهوم و از سوی غنای فوق‌العاده نهج‌البلاغه در حوزه موضوعات اخلاقی، سؤالاتی که ذهن نگارندگان این مقاله را به خود مشغول داشته و آنها را به‌سوی پاسخ به این پرسش هدایت نموده عبارتند از اینکه: مصادیق هوش اخلاقی در نهج‌البلاغه چیست؟ آیا می‌توان مؤلفه‌های دیگری را نیز به مؤلفه‌های شناخته شده در قلمرو هوش اخلاقی براساس تحلیل محتوای اندیشه‌های امام علی(ع) اضافه نمود؟

## ۱-۱. بیان مسئله

اخلاق یکی از بزرگ‌ترین نیروهای محرکه عالم بشریت است که جلوه‌های درخشان فطرت پاک انسانی را در عالی‌ترین مظاهر آن مجسم می‌سازد. اگر مردم جهان در همه چیز اختلاف داشته باشند، در یک چیز اتفاق نظر دارند و آن اینکه اخلاق و تربیت، بزرگ‌ترین عامل سعادت و موفقیت است و بدون آن خوشبختی و موفقیت وجود نخواهد داشت؛ چه آن که ادب و تربیت اولین زبان همگانی و زنده دنیاست که برای همه مردم از هر زبان و نژاد و ملتی قابل فهم است (گرامیان، ۱۳۹۵: ۳). به‌عنوان سندی بر جهانی بودن اخلاقیات، می‌توان به آنچه که به «قانون طلایی اخلاق» معروف گشته است اشاره نماییم. قانون طلایی می‌گوید: «با دیگران چنان رفتار کن آن‌چنان که تو می‌خواهی با تو آن‌گونه رفتار کنند». این قاعده در تمامی ادیان و فرهنگ‌ها رایج بوده و پذیرفته شده است و حتی در قالب ضرب‌المثل در برخی جوامع مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنان که مولای متقیان در نامه ۳۱ خطاب به اما حسن(ع) می‌فرماید: «...پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران مپسند، ستم روا مدار، آن‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود، نیکوکار باش، آن‌گونه که دوست داری به تو نیکی کنند و آنچه را که برای دیگران زشت می‌داری برای خود نیز زشت بشمار و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی...». با این توصیف، اخلاقیات و پرداختن به آن یکی از موضوعات مهمی است که به‌ویژه در سال‌های اخیر توجه بیشتری را به خود جلب نموده و به‌عنوان یک ابزار کارآمد در مدیریت رفتارهای اجتماعی در محور توجه جهانیان قرار گرفته است. از طرفی، هوش اخلاقی یکی از عواملی است که تعیین‌کننده میزان رفتارهای اخلاقی افراد و درجه آمادگی افراد برای پرداختن هزینه زیست اخلاقی می‌باشد. هوش اخلاقی بیانگر آن است که در روابط اجتماعی چه عملی مناسب و چه عملی نامناسب است؛ فرد احساسات دیگران را درک کند، با دیگران همدلی نماید و مسئولیت کارهای خویش را بپذیرد (بوربا،

۱۳۹۰: ۲۶). چنین مقوله مهمی که با استقبال گسترده جامعه علمی مواجه شده است، نقشی کلیدی در بروز رفتارهای اخلاقی و ماندن در مسیر اخلاقیات ایفاء می‌نماید. اگرچه این مفهوم کمی بیش از یک دهه قدمت دارد و ابعاد محدودی از آن ارائه شده است؛ اما در جای‌جای کتاب گران سنگ نهج البلاغه می‌توان عناصر تشکیل‌دهنده آن را به خوبی درک نمود و براساس آموزه‌های امام علی(ع) به غنی‌تر نمودن این مفهوم کلیدی کمک نمود و پس از احصاء مؤلفه‌های دیگر آن، مطالعات میدانی متعددی را بر این اساس پایه‌ریزی و جامعه جهانی را از نتایج این یافته‌ها بهره‌مند ساخت. لذا در این مطالعه تلاش شده است بر مبنای معنای کلی هوش اخلاقی، عناصر سازنده این مفهوم شناسایی و کمیت و کیفیت این عناصر تقویت شوند.

## ۱-۲. پیشینه پژوهش

در زمینه هوش اخلاقی، مطالعات مختلفی انجام شده و همچنین محتوای نهج البلاغه از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است، اما در زمینه هوش اخلاقی از منظر نهج البلاغه تاکنون مطالعه‌ای صورت نگرفته است و این پژوهش اولین مطالعه صورت گرفته در زمینه هوش اخلاقی با بررسی تمامی خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه خواهد بود. در این بخش با در نظر گرفتن جنبه اختصار و با توجه به تشابه مطالعات انجام شده در این حوزه، نتایج برخی تحقیقات مرتبط به ترتیب سال پژوهش عرضه می‌شود.

بسیج (۱۳۸۹)، در بررسی خصوصیات انسان کامل از منظر نهج البلاغه، خصوصیات از جمله انسان کامل به‌عنوان ترازوی اعمال دیگران، قرآن ناطق، معدن کلمات الله، قطب زمان، حجت‌الله، واجد تمام صفات کمال، واسطه فیض، خلیفه‌الله، مظهر اسم اعظم و ... را شناسایی نمود. قنبری (۱۳۸۹)، در مطالعه‌ای با بهره‌گیری از روش معناشناختی، در خصوص توکل در نهج البلاغه به این نتیجه دست یافت که این مفهوم در نهج البلاغه هم در معنای اخلاقی و هم در معنای عرفانی به کار رفته است. محمدی و محمدی (۱۳۹۰)، با بررسی تأثیر باور به توحید و معاد بر اخلاق بر مبنای نهج البلاغه، این دو باور را به‌عنوان عواملی برای نگاه زاهدانه به دنیا و نیز ضمانت در رعایت اصول اخلاقی معرفی نمودند. نصرافهانی و همکاران (۱۳۹۱)، پس از تحلیل محتوای متون موجود به‌ویژه نهج البلاغه، در زمینه مفهوم تحمل و مدارا، ابعاد این مفهوم را شناسایی نمودند که عبارتند از: پذیرش اشتباه دیگران، توهین نکردن به دیگران، احترام به آزادی، عدالت اجتماعی و مدنیت، تحمل عقاید مخالف، فروتنی، مهربانی، بردباری و خوش‌خلقی. صادقی و الهیاری (۱۳۹۲)، به احصاء مؤلفه‌های مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی در نهج البلاغه و آثار آن‌ها در سطح فردی و اجتماعی پرداختند. قنبری (۱۳۹۲)، به بررسی مفهوم عدالت در نهج البلاغه پرداخت و مبنای این تحقیق را تبیین عدالت از منظر گفتمان عرفانی قرار داد و این‌گونه نتیجه‌گیری نمود که عدالت ابتدا باید در نفس سالک و سپس به‌وسیله او در جامعه تحقق یابد. معارف (۱۳۹۳)، با بررسی اندیشه‌های امام علی(ع) در نهج البلاغه به تبیین مفهوم صدق، ابعاد و آثار آن در زندگی فردی و اجتماعی پرداخت. منطقی و همکاران (۱۳۹۳)، براساس پژوهشی در باب کارکردهای هوش اخلاقی در سازمان از منظر اسلام، به این نتایج دست یافتند که هوش اخلاقی می‌تواند به بهبود عملکرد سازمان منجر شده و کارکردهای آن برای کارکنان عبارتست از: امانت‌داری، مسئولیت‌پذیری، مهرورزی، مدارا، خوش‌رفتاری، بردباری، داورزی و تغافل. ارشاد حسینی و

همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «هوش اخلاقی و ساخت آزمون اولیه آن براساس منابع اسلامی» مؤلفه‌های هوش اخلاقی را در سه گروه الهی، فردی و اجتماعی ارائه نمودند. بردبار و همکاران (۱۳۹۴)، از طریق انجام مصاحبه و بررسی مقالات مرتبط با خصوصیات مدیران در نهج‌البلاغه و مبانی نظری هوش اخلاقی، نسبت به شناسایی و رتبه‌بندی سنجه‌های هوش اخلاقی در مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه اقدام نمودند. نتایج این مطالعه بیانگر این است که سنجه «رازداری» در شاخص صفت ذاتی، «خوش‌خلقی» در شاخص اخلاق اکتسابی، «عفو و بخشش» در شاخص برخورد فردیه‌فرد، «ارج نهادن به سنت‌های نیکو» در شاخص عملکرد در جامعه، «احترام به زبردستان» در شاخص مدیریت محور، «مهربانی به زبردست» در شاخص اخلاق اکتسابی در رفتار فردیه‌فرد، رتبه‌های اول را به خود اختصاص داده‌اند. معینی‌پور و همکاران (۱۳۹۴)، به تبیین سبک زندگی مؤمنانه براساس خطبه ۱۹۳ نهج‌البلاغه پرداختند و توصیه‌هایی برای زیست مؤمنانه در سه عرصه زندگی عقلانی، اخلاقی و رفتاری ارائه نمودند. اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۵)، به بررسی مفهوم سلامت معنوی بر مبنای قرآن و نهج‌البلاغه پرداختند و ضمن بررسی مفهوم سلامت معنوی، ابعاد سه‌گانه نگرشی، عاطفی و رفتاری این مفهوم را شناسایی نمودند. الهی‌منش و ولی‌پور (۱۳۹۵)، با بررسی نهج‌البلاغه به خصوصیات و جایگاه انسان کامل از منظر امام علی(ع) پرداختند و صفات و مقام انسان کامل را به‌عنوان جانشین خدا در زمین و قطب عالم تبیین نمودند. قنبری و کریمی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان مؤلفه‌های هوش معنوی در نهج‌البلاغه، به احصای مؤلفه‌های هوش معنوی در نهج‌البلاغه پرداختند و عواملی از جمله خودآگاهی، خودانگیختگی، ارزش‌محوری، چشم‌انداز محوری، کل‌نگری، دگرخواهی، استقبال از تفاوت‌ها، استقلال رأی، فروتنی، تمایل به طرح چراهای بنیادی، توانایی تغییر چارچوب‌های ذهنی، استفاده مثبت از مشکلات و چالش‌ها و احساس رسالت را شناسایی نمودند. نخعی مقدم و فانی (۱۳۹۵)، با بررسی نهج‌البلاغه در زمینه سلامت معنوی دریافتند که سلامت از دو بعد مادی و معنوی در نهج‌البلاغه مورد توجه قرار گرفته و در حوزه‌های عرفانی، عبادی و اخلاقی به کار رفته است. شجاعی و همکاران (۱۳۹۷)، با تحلیل محتوای نهج‌البلاغه به ارائه الگویی برای ترسیم معنای زندگی پرداختند که می‌تواند برای درمان آسیب‌های روانی از طریق معنا درمانی مورد استفاده قرار گیرد. رضایی هفتادر و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی با محوریت نهج‌البلاغه، به بررسی تحول روانی انسان پرداختند که براساس این مطالعات، ساحت انسان در قالب دو ساحت جوهری و روحانی تقسیم شده است و هر یک از این وجوه به انواع مختلفی تقسیم شده‌اند. غیائی (۱۳۹۷)، با بررسی متن نهج‌البلاغه، در مقاله‌ای تحت عنوان «بازجست ساحت‌های وجودی انسان از منظر نهج‌البلاغه»، دو ساحت مادی و فرامادی را برای انسان شناسایی نمود. براساس این پژوهش، ساحت فرامادی انسان از دو بعد فطرت و قلب تشکیل شده که اولی پیونددهنده انسان با خالق و دومی منشأ اندیشه و احساس است.

### ۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

هوش اخلاقی به‌عنوان سازه‌ای جدید در قلمرو علم اخلاق و روانشناسی و به‌عنوان توانایی درک درست از نادرست، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آنها و رفتار در جهت صحیح، در چند سال اخیر توجهات

زیادی را به خود جلب نموده و از منظرهای گوناگون و در حوزه‌های متعددی به‌ویژه در قلمرو اخلاق حرفه‌ای، رفتار سازمانی و مباحث تربیتی، مورد بحث و مطالعه قرار گرفته است. با توجه به گسترش بی‌اخلاقی‌ها در دنیای امروز و ضرورت پرداختن به این آسیب‌ها و راهکارهای برون‌رفت از باتلاق‌های اخلاقی جهان مدرن و از سویی همخوانی ماهیت این مفهوم با بدنه آموزه‌ها و تعالیم مذهبی ما، به نظر می‌رسد که پرداختن به آن به‌عنوان یک ضرورت و در عین حال فرصتی مغتنم قابل طرح باشد. بر این اساس و با هدف بسط و غنی‌تر ساختن مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هوش اخلاقی، نویسندگان این نوشتار بر آن شدند تا با تأسی به آموزه‌های جاویدان مولای متقیان، علی(ع)، قدمی در این راستا بردارند.

## ۲. بحث

اگر «عمل اخلاقی» را به مثابه یک مثلث در نظر بگیریم، رأس این مثلث قطعاً هوش اخلاقی خواهد بود. چراکه این خصوصیت، در تعیین جهت درست، انسان را یاری می‌نماید و سایر جهت‌گیری‌ها را به خوبی هدایت خواهد نمود. شایستگی هیجانی، به معنای توانایی مدیریت عواطف و احساسات، کانون دیگر این مثلث را شکل می‌دهد که باعث ماندن در مسیر درست می‌شود و بالاخره شایستگی اخلاقی به انسان در حرکت کردن و پیش رفتن در جاده اخلاقیات کمک می‌نماید. در این نوشتار با استعانت از مفاهیم عمیق مندرج در نهج البلاغه، تلاش شده است که مصادیق کلیدی هوش اخلاقی استخراج و نسبت به توسعه این مفهوم اقدام گردد.

### ۲-۱. هوش اخلاقی

هوش اخلاقی، در زمره جدیدترین انواع هوش قرار دارد که در سال‌های اخیر به فهرست انواع هوش اضافه شده است. هوش اخلاقی اصطلاحی است که در سال ۲۰۰۵ توسط میکله بوربا<sup>۱</sup> وارد روانشناسی شد. بوربا هوش اخلاقی را ظرفیت و توانایی درک درست از خلاف، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آنها و رفتار در جهت صحیح تعریف می‌کند (طاهری و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۴). هوش اخلاقی به مثابه یک راهنما برای رفتار و اعمال انسان عمل کرده و کمک می‌کند که اعمال هوشمندانه و بهینه‌ای داشته باشیم. هوش اخلاقی با رفتارهایی که افراد از خود نشان می‌دهند رابطه مستقیم دارد و نظامی از اصول و قواعد را ایجاد می‌کند که انسان‌ها را در تصمیم‌گیری درباره آنچه درست و نادرست است راهنمایی می‌کند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۸). مارتین و همکاران، هوش اخلاقی را اعتقاد عمیق و ارزش‌هایی می‌دانستند که قادر است تمامی افکار و رفتارهای فرد را هدایت کند (نریمانی و غفاری، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

### ۲-۲. ابعاد و مؤلفه‌های هوش اخلاقی

با بررسی ادبیات موضوع و تجمیع عوامل مختلفی که صاحب‌نظران در زمینه عناصر تشکیل‌دهنده هوش اخلاقی معرفی نموده‌اند، فهرست فعلی مؤلفه‌های هوش اخلاقی عبارتند از: رفتار مستمر در جهت

۱. Michael Burba

ارزش‌های اخلاقی، خودکنترلی، ایستادگی برای حق، اهمیت قایل شدن برای دیگران، وفای به عهد، صداقت، پذیرش مسئولیت تصمیمات خود و شهادت اقرار به خطاها، توانایی بخشش خود، انصاف، توانایی بخشش دیگران، مهربانی و نوع دوستی. دیدگاه نظریه‌پردازان این حوزه در جدول ۱ درج گردیده است.

جدول ۱: ابعاد و مؤلفه‌های هوش اخلاقی

منبع	ابعاد هوش اخلاقی
آراسته و همکاران، ۱۳۸۹ (به نقل از: بوربا، ۲۰۰۲)	۱. همدلی؛ ۲. وجدان؛ ۳. خودکنترلی خود؛ ۴. احترام گذاشتن؛ ۵. مهربانی؛ ۶. تحمل؛ ۷. انصاف
حسینی و همکاران، ۱۳۹۵ (به نقل از: دورهوار و بلاچفلتر، ۲۰۰۹)	۱. درستکاری؛ ۲. مسؤولیت‌پذیری؛ ۳. بخشش؛ ۴. دلسوزی.
آراسته و همکاران، ۱۳۸۹ (به نقل از: لنینک و جوردن، ۲۰۱۱)	۱. رفتار مستمر در جهت اصول، ارزش‌ها و باورها؛ ۲. راستگویی؛ ۳. ایستادگی برای حق؛ ۴. وفای به عهد؛ ۵. مسؤولیت‌پذیری برای تصمیمات شخصی؛ ۶. اقرار به اشتباهات و شکست‌ها؛ ۷. قبول مسؤولیت برای خدمت به دیگران؛ ۸. اهمیت دادن به دیگران؛ ۹. توانایی در بخشش اشتباهات خود؛ ۱۰. توانایی در بخشش اشتباهات دیگران.

### ۲-۱. ابعاد و مؤلفه‌های هوش اخلاقی در نهج البلاغه براساس ادبیات موجود

مصادیق ابعاد و مؤلفه‌های هوش اخلاقی در سرتاسر نهج البلاغه قابل مشاهده است که در جدول ۲ به اختصار درج گردیده و در ادامه، برخی از آنها با ذکر شواهدی از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها تبیین می‌گردد. لازم به ذکر است که در بررسی نهج البلاغه تلاش بر این بوده است که صرفاً مطالبی انتخاب شوند که به شکل کاملاً مستقیم به مفهوم مورد نظر اشاره می‌نمایند و براساس همین وسواس، نکات مرتبط انتخاب گردیده‌اند؛ بنابراین چنانچه با اغماض بیشتری نسبت به انتخاب مطالب اقدام می‌شد طبیعتاً حجم مطالب استخراج شده بسیار بیشتر می‌بود. جدول ۲ در پاسخ به پرسش نخست تحقیق که به استخراج مؤلفه‌های هوش اخلاقی بر مبنای ادبیات موجود توجه دارد، تنظیم شده است و در ادامه به تفصیل در این خصوص بحث شده است.

جدول ۲: مصادیق هوش اخلاقی در نهج البلاغه براساس ادبیات موجود

ابعاد و مؤلفه‌های هوش اخلاقی	مصادیق هوش اخلاقی در نهج البلاغه
رفتار مستمر در جهت ارزش‌های اخلاقی	خطبه ۳، خطبه ۴، خطبه ۳۳، خطبه ۷۴، خطبه ۱۲۵، خطبه ۱۷۶، نامه ۱۴، نامه ۳۱، نامه ۴۵، نامه ۴۵، نامه ۵۳، حکمت ۱۱۰
خودکنترلی	خطبه ۴۵، خطبه ۶۴، خطبه ۸۷، خطبه ۹۰، خطبه ۱۵۷، خطبه ۱۶۱، خطبه ۱۷۶، خطبه ۲۳۷، نامه ۳۱، نامه ۵۹، نامه ۲۷، نامه ۵۳، نامه ۶۹، حکمت ۱۹۴، حکمت ۲۵۵
ایستادگی برای حق	خطبه ۳، خطبه ۲۴، خطبه ۳۷
اهمیت قایل شدن برای دیگران	خطبه ۲۶، خطبه ۳۴، خطبه ۵۵، خطبه ۷۴، خطبه ۱۶۷، نامه ۲۶، نامه ۴۵
وفای به عهد	خطبه ۱۶، خطبه ۱۹۲، نامه ۵۳، حکمت ۱۵۵
صداقت	خطبه ۱۶، خطبه ۴۱، خطبه ۱۰۸، خطبه ۸۶، خطبه ۲۰۰، نامه ۲۶
پذیرش مسئولیت تصمیمات خود و شهادت اقرار به خطاها	خطبه ۱۶، نامه ۵۳
توانایی بخشش خود	خطبه ۲۸، خطبه ۱۷۶، حکمت ۳۷۱، خطبه ۱۴۳

خطبه ۱۳۷، خطبه ۱۷۸، نامه ۲۳، نامه ۳۱، نامه ۱۲، نامه ۲۹، نامه ۵۳، حکمت ۱۱، حکمت ۲۰، حکمت ۲۱۱	توانایی بخشش دیگران
خطبه ۲۳، نامه ۴۵، نامه ۱۸، خطبه ۵۵، نامه ۵۳، نامه ۲۶، خطبه ۱۶۶، نامه ۲۷، نامه ۴۶، نامه ۷۶، نامه ۵۰	مهربانی و نوع دوستی
خطبه ۱۹۳، خطبه ۱۵، خطبه ۱۶، خطبه ۳۴، خطبه ۱۲۶، خطبه ۲۰۵، خطبه ۲۲۴، نامه ۲۷، نامه ۴۳، نامه ۳۱، نامه ۴۶، نامه ۵۳، نامه ۵۱	انصاف و عدالت

### ۲-۲-۱-۱. مستمر در جهت ارزش های اخلاقی

شاید آنچه مهم تر از رفتار اخلاقی باشد، باقی ماندن در مسیر اخلاق گرایی است چرا که در اغلب موارد مشاهده می شود که افراد اخلاقی در برهه هایی از زندگی خود به دلایل مختلف از جاده اخلاقیات خارج می شوند و تاب پرداخت هزینه های اخلاقی زیستن را ندارند؛ اما افرادی که دارای هوش اخلاقی بالاتری هستند علیرغم دشواری های فراوان زندگی اخلاقی که بعضاً از این شرایط به «کابوس اخلاق گرایی» نیز یاد شده (اسلامی اردکانی، ۱۳۹۴: ۸)، همچنان خود را مقید به رعایت اصول اخلاقی می دانند. بارزترین نمونه «نظری» این موضوع در خطبه چهارم نهج البلاغه قابل مشاهده است، آنجا که می فرمایند: «از روزی که حق به من نشان داده شد، هرگز در آن شک و تردید نکردم» و بارزترین نمونه «عملی» استمرار در اخلاق گرایی در خطبه ۷۴ نمایان می گردد که موضوع پذیرش شرایط حکمت علیرغم باور به شایستگی و به حق بودن ایشان است: «همانا می دانید که سزاوارتر از دیگران به خلافت من هستم. سوگند به خدا به آنچه انجام داده اید گردن می نهم تا هنگامی که اوضاع مسلمین روبه راه باشد و از هم نپاشد و جز من به دیگری ستم نشود و پاداش این گذشت و سکوت و فضیلت را از خدا انتظار دارم...». آشکار است که ایشان به خاطر مصالح مسلمین و حکومت اسلامی، نسبت به حق خود سکوت را ترجیح دادند. این مفهوم و تأکید بر هزینه بر بودن زندگی اخلاقی در خطبه ۱۲۵ نیز به وضوح ملاحظه می گردد: «همانا برترین مردم در پیشگاه خدا کسی است که عمل به حق در نزد او دوست داشتنی تر از باطل باشد، هر چند از قدر او بکاهد و به او زبان رساند و باطل به او سود رساند و بر قدر او بیفزاید».

### ۲-۲-۱-۲. خودکنترلی

خودکنترلی، ایجاد حالتی است در درون فرد که او را به انجام وظایفش متمایل می سازد بدون این که عامل خارجی او را در کنترل داشته باشد؛ بنابراین در خودکنترلی، افراد بدون اجبار و تهدید و تطمیع به وظایف خود متعهد می باشند (ابطحی، ۱۳۸۸: ۲۴). خودکنترلی یا به تعبیر دینی آن که همان تقواست، به معنای نیرویی روحی، متعالی و مقدس است که منشأ کشش به سوی ارزش های معنوی و گریز از پستی ها و آلودگی های مادی می باشد (غفاری و رضوی، ۱۳۹۱: ۲). شاید بتوان گفت یکی از کلیدی ترین مؤلفه های هوش اخلاقی همین مفهوم است که به نوعی زیربنای عمل اخلاقی را تشکیل می دهد. این موضوع به زیبایی و با تأکید فراوان در بخش های مختلف نهج البلاغه مورد اشاره قرار گرفته است و بیانگر اهمیت آن در زندگی اخلاقی مؤمنین می باشد. به عنوان نمونه در خطبه ۸۷ می خوانیم: «ای بندگان خدا همانا بهترین و محبوب ترین بنده نزد خدا، بنده ای است که خدا او را در پیکار با نفس یاری داده است...» یا در خطبه ۴۵ می فرمایند:

«... من نفس خود را با پرهیزکاری می‌پرورانم تا در روز قیامت که هراسناک‌ترین روزهاست در امان و در لغزشگاه‌های آن ثابت‌قدم باشد. من اگر می‌خواستم، می‌توانستم از غسل پاک و از مغز گندم و بافته‌های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم، اما هیبهات که هوای نفس بر من چیره گردد...». امام علی(ع) در جای دیگری در خطبه ۲۳۷ بر وظیفه انسان‌ها در مدیریت بر خود اشاره نموده می‌فرماید: «انسان باید نفس را مهار زند و آن را در اختیار گرفته از طغیان و گناهان باز دارد و زمام آن را به‌سوی اطاعت پروردگار بکشد» و همچنین بر کارکرد تقوا این‌چنین تأکید می‌نماید: «آگاه باشید با پرهیزکاری، ریشه‌های گناهان را می‌توان برید و با یقین می‌توان به برترین جایگاه معنوی، دسترسی پیدا کرد...».

### ۲-۲-۱-۳. ایستادگی برای حق

ایستادگی برای حق و آنچه درست است، یکی از مؤلفه‌های هوش اخلاقی است که از سوی برخی صاحب‌نظران مطرح گردیده است (آراسته و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰۵). این خصوصیت نیز همچون رفتار مستمر در جهت ارزش‌های اخلاقی، بسیار دشوار بوده و لذا صرفاً افرادی که دارای هوش اخلاقی بسیار بالایی هستند از این ویژگی برخوردار می‌باشند. امام علی(ع) در این خصوص در خطبه ۳ می‌فرماید: «و اگر خداوند از علماء عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان، سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می‌ساختم...» و یا در خطبه ۲۴ می‌خوانیم: «سوگند به جان خودم، در مبارزه با مخالفان حق و آنان که در گمراهی و فساد غوطه‌ورند، یک لحظه مدارا و سستی نمی‌کنم». همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد دشواری و اهمیت موضوع به حدی است که حضرت در اجرای آن و پایبندی به آن، سوگند یاد می‌کنند و در خطبه ۳۷ به دلیل همین دشواری، به تنهایی ایشان در انجام این فریضه به‌خوبی پی خواهیم برد و در خواهیم یافت که ایستادگی برای حق کار ساده‌ای نیست: «آن‌گاه که همه از ترس سست شده، کنار کشیدند، من قیام کردم و آن هنگام که همه خود را پنهان کردند من آشکارا به میدان آمدم و آن زمان که همه لب فرو بستند، من سخن گفتم و آن وقت که همه باز ایستادند من با راهنمایی نور خدا به راه افتادم».

### ۲-۲-۱-۴. اهمیت قایل شدن برای دیگران

نوع دوستی از جمله ویژگی‌ها و صفاتی است که انسان را از تنگ‌نظری و حصار خودمحوری خارج ساخته موجب می‌شود تا در برابر دیگران از خود، ایثار، فداکاری و گذشت نشان دهد و با آنها پیوند صمیمانه برقرار نماید (کاوپانی و موسوی، ۱۳۸۹: ۹۹). در فرهنگ ما، کسی که دغدغه دیگران را نداشته باشد مسلمان نیست. هرکس صبح کند و به امور مسلمانان همت نرزد از آنان نیست و هرکس فریاد کمک‌خواهی کسی را بشنود و به کمکش نشتابد مسلمان نیست (خالقی و چناری، ۱۳۹۴: ۵۶). امام علی(ع) در راستای همین خصوصیت در خطبه ۳۴ می‌فرماید: «ای مردم، مرا بر شما و شما بر من حقی واجب شده است، حق شما بر من، آن‌که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید.» همچنین آن‌گونه که از



خطبه ۵۵ نیز برمی آید، در آستانه جنگ صفین، برخی مدارا کردن امام را دیده و علت را پرسیدند و ایشان در پاسخ آنان فرمودند: «...بخدا سوگند هر روزی که جنگ را به تأخیر می‌اندازم برای آن است که آرزو دارم عده‌ای از آنها به ما ملحق شوند و هدایت گردند». توجه به دیگران تا حدی برای ایشان اهمیت دارد که در نامه ۴۵ با لحنی عتاب‌آلود خطاب به فرماندار بصره می‌نویسند: «...آیا به همین رضایت دهم که مرا امیر-المؤمنین (ع) خوانند و در تلخی‌های روزگار با مردم شریک نباشم و در سختی‌های زندگی الگوی آنان نگردم...».

#### ۲-۲-۱-۵. وفای به عهد

وفای به عهد و پیمان به‌عنوان یکی از عناصر تشکیل‌دهنده هوش اخلاقی، از اساسی‌ترین شرایط زندگی دسته‌جمعی است و بدون آن هیچ‌گونه همکاری اجتماعی ممکن نیست (بختیاری، ۱۳۸۹: ۷۲). اهمیت وفای به عهد از نظر قرآن کریم آنقدر زیاد است که آن را در ردیف ایمان به خدا، نماز و زکات قرار داده است و در چندین سوره از جمله سوره‌های مائده، مؤمنون و اسراء به اهمیت آن تأکید جدی شده است. وفای به عهد در کلام امام علی (ع) به معانی ادای دین و ذمه، محقق نمودن وعده‌ها، حفظ و رعایت پیمان‌ها آمده است (جهان‌پور و جعفری، ۱۳۹۳: ۵۶). همچنان که در اولین سخنرانی پس از بیعت مردم مدینه با ایشان می‌فرمایند: «آنچه می‌گویم به عهده می‌گیرم و خود به آن پای بندم...»؛ و تا جایی در اهمیت این خصوصیت پیش می‌روند که در نامه ۵۳ به مالک اشتر می‌فرمایند: «اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید، یا در پناه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفادار باش و بر آنچه بر عهده گرفتی امانتدار باش و جان خود را سپر پیمان خود گردان، زیرا هیچ‌یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست».

#### ۲-۲-۱-۶. صداقت

صداقت و درستکاری در منابع مختلف به‌عنوان یکی از خصوصیات کلیدی رهبران خوب و به‌طور کلی انسان‌های خوب، به معنای تطبیق گفتار و اعمال، ثبات در ناملایمات، روراست بودن با خود و همچنین به‌عنوان رفتار اخلاقی به‌کار رفته است و در منابع دینی غالباً به معنای راستگویی و پرهیز از دروغ مدنظر قرار گرفته است (علیزاده ثانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳). در همین راستا امام علی (ع) بارها به اهمیت راستگویی اشاره نموده و عدول از آن را با شرک برابر دانسته‌اند: «آگاه باشید ریاکاری و تظاهر، هر چند اندک باشد شرک است...» و در نامه به برخی از مأموران مالیات که در سال ۳۶ هجری برای فرماندار اصفهان فرستاده شد، در باب صداقت و یکرنگی می‌فرمایند: «... و سفارش می‌کنم که مبادا در ظاهر خدا را اطاعت و در خلوت نافرمانی کند و این که آشکار و پنهانش و گفتار و کردارش در تضاد نباشد...» و نیز در خطبه ۱۶ مجدداً بر تداوم راستی در تمام موقعیت‌ها تأکید می‌فرمایند: «به خدا سوگند، کلمه‌ای از حق را نپوشاندم، هیچ‌گاه دروغی نگفتم...».

۱. خطبه ۱۶

۲. خطبه ۸۶

۳. نامه ۲۶

## ۲-۱-۲-۷. توانایی بخشش

بخشش، یک فضیلت اخلاقی است که در برابر خطای دیگران انجام می‌شود و قابل آموزش دادن است (ایمانی‌فر و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۰). در تعریف و مفهوم‌سازی بخشش اختلاف نظر وجود دارد و تعاریف متعددی از آن ارائه شده است. فرآیند کاهش خشم، کاهش ناراضی‌ت یا تنفر از دیگران، آزادی از قضاوت‌ها و ادراکات گذشته و تلاش برای التیام زخم‌های گذشته از جمله تعاریف ارائه شده است (نادری و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۰). بخشش در قلمرو هوش عاطفی به معنای آگاهی از عیوب و اشتباهات خود و دیگران و بخشیدن خود و دیگران می‌باشد (طاهری و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۵)؛ بنابراین برخلاف اکثر منابعی که در این خصوص بحث نموده‌اند و بخشش را صرفاً محدود به ارتباط فرد با دیگران در نظر گرفته‌اند، در حوزه هوش اخلاقی به مفهوم مهم بخشش خود نیز توجه شده که یکی از عوامل مهم بهداشت روان تلقی می‌گردد. از سویی بخش مهمی از بخشش خود، به مقوله توبه مرتبط می‌شود و توبه به معنای پشیمانی و گذشت و عفو و بازگشت از هر چیز به‌ویژه بازگشت و ندامت از اعمال خلاف گذشته به کار می‌رود (سلیمانی، ۱۳۹۴: ۳۹). امام علی علیه‌السلام در مناسبت‌های مختلف به این مضمون اشاره می‌نماید. مثلاً در خطبه ۲۸ که در روز عید فطر ایراد گردیده است می‌فرماید: «آیا کسی هست که پیش از مرگ، از اشتباهات خود توبه کند؟ آیا کسی هست که قبل از فرا رسیدن روز دشوار قیامت، اعمال نیکی انجام دهد؟ آگاه باشید هم‌اکنون در روزگار آرزوهایید، که مرگ را در پی دارد، پس هر کس در ایام آرزوها، پیش از فرا رسیدن مرگ، عمل نیکو انجام دهد، بهره‌مند خواهد شد و مرگ او را زینانی نمی‌رساند و آن کس که در روزهای آرزوها، پیش از فرارسیدن مرگ کوتاهی کند، زیانکار و مرگ او زینبار است...» و یا در مراسم نماز باران در شهر کوفه در باب اهمیت توبه چنین فرموده‌اند: «پس رحمت خدا بر آن کس که به استقبال توبه رود و از گناهان خود پوزش طلبد و پیش از آن که مرگ او فرارسد، اصلاح گردد. هیچ شفیعی رهاننده‌تر از توبه نیست<sup>۱</sup>». یا در نامه به مالک اشتر به منظور تقویت این خصوصیت تأکید می‌نماید: «اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان‌گیر، آن‌گونه که دوست داری خدا تو را ببخشد و بر تو آسان گیرد...». همچنین در نامه به فرزندش امام حسن(ع) وقتی از جنگ صفین باز می‌گشت می‌نویسند: «... با دشمن خود با بخشش رفتار کن<sup>۲</sup>...».

## ۲-۱-۲-۸. پذیرش مسئولیت تصمیمات خود و شهادت اقرار به خطاها

مسئولیت‌پذیری، یک متغیر اساسی در رفتارهای اجتماعی محسوب می‌شود و طبق تعریف، فردی را می‌توان مسئولیت‌پذیر دانست که خود را در برابر خود و موقعیتی که در آن قرار دارد و همچنین نیازها و بهروزی دیگران پاسخگو بداند (خواجه نوری و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۶)؛ بنابراین مسئولیت‌پذیری نشانه بلوغ عاطفی و اخلاقی افراد بوده و کسی که هوش اخلاقی بالایی دارد، مسئولیت اعمال خود و پیامدهای آن، همچنین مسئولیت اشتباهات و شکست‌های خود را می‌پذیرد (طاهری و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۵). امام علی(ع) در این

۱. خطبه ۱۴۳

۲. نامه ۳۱

خصوص در قالب خطبه ۱۶ به مردم توصیه می‌نمایند: «مردم! به خانه‌های خود روی‌آورید، مسائل میان خود را اصلاح کنید، توبه و بازگشت پس از زشتی‌ها میسر است. جز پروردگار خود، دیگری را ستایش نکنید و جز خویشتن خویش دیگری را سرزنش ننمایید». افراد واجد هوش اخلاقی مطلوب، از شهامت اعتراف به خطاهای خود برخوردارند و این موضوع از سوی حضرت در موقعیت‌های متعدد گوشزد شده است. ایشان در خطبه ۱۹۲ در خصوص بیماری تکبر و در نکوهش ارزش‌های جاهلی می‌فرمایند: «خدا را خدا را از تکبر و خودپسندی و از تفاخر جاهلی بر حذر باشید، که جایگاه بغض و کینه و رشد و سوسه‌های شیطانی است، که ملت‌های گذشته و امت‌های پیشین را فریب داده است تا آنجا که در تاریکی‌های جهالت فرو رفتند و در پرتگاه هلاکت سقوط کردند و به آسانی به همان جایی که شیطان می‌خواست کشانده شدند. کبر و خودپسندی چیزی است که قلب‌های متکبران را همانند کرده تا قرن‌ها به تضاد و خونریزی گذرانند و سینه‌ها از کینه‌ها تنگی گرفت». همچنین در توصیه‌های خود به مالک اشتر، در نامه ۵۳، یکی از ویژگی‌های مهم قضات را عدم اصرار بر اشتباهات و توانایی انعطاف در اصلاح تصمیم نادرست برمی‌شمرد و می‌فرماید: «سپس از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن، کسانی که مراجعه فراوان، آنها را به ستوه نیاورد و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمناک نسازد، در اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق پس از آگاهی برای او دشوار نباشد» و در همین توصیه‌نامه اضافه می‌نمایند: «اگر به خطا خون کسی ریختی، یا تازیانه یا شمشیر، یا دستت دچار تندروی شد- که گاه مستی سبب کشتن کسی می‌گردد، چه رسد به بیش از آن- مبادا غرور قدرت، تو را از پرداخت خون‌بها به بازماندگان مقتول بازدارد».

#### ۲-۲-۱-۹. مهربانی و نوع دوستی

مهربانی و نوع دوستی برحسب توانایی همدردی و میزان همدلی تبیین می‌گردد و عموماً افرادی که قادر هستند در وضعیت‌های اضطراری خود را به جای افراد نیازمند بگذارند و با او همدلی کنند افرادی مهربان و نوع دوست تلقی می‌شوند (دشت بزرگی و صفرزاده، ۱۳۹۳: ۱۰۷). خصوصیت مهربانی در قلمرو هوش اخلاقی براساس توجه به نیازها عواطف و رفاه دیگران ارزیابی می‌گردد (آراسته و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۱۱). مولای متقیان که الگوی رأفت در جهان شناخته می‌شوند، در موقعیت‌های مختلف مهربانی را به ما توصیه نموده‌اند. ایشان در توصیه به مالک اشتر فرموده‌اند: «... مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش... همانا مهربانی تو نسبت به سربازان، دل‌هایشان را به تو می‌کشاند و همانا برترین روشنی چشم زمامداران، برقراری عدل در شهرها و آشکار شدن محبت مردم نسبت به رهبر است، که محبت دل‌های رعیت جز با پاکی قلب‌ها پدید نمی‌آید...». به‌عنوان نمونه‌ای دیگر در این باب، در نامه ۱۸ به فرماندار بصره ایشان را به مهربانی با مردم دعوت می‌نمایند: «... با مردم به نیکی رفتار کن و گره وحشت را از دل‌های آنان بگشای...».

#### ۲-۲-۱-۱۰. انصاف و عدالت

امام علی(ع) در نزد تمامی انسان‌های آگاه جهان به عدالت شهره گشته‌اند و این خصوصیت در جای‌جای زندگی و کلام ایشان مشاهده می‌شود. از جمله در نامه ۵۱ خطاب به کارگزاران بیت‌المال توصیه می‌نمایند:

«در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید و در برآوردن نیازهایشان شککیا باشید. همانا شما خزانه‌داران مردم و نمایندگان ملت و سفیران پیشوایان هستید، هرگز کسی را از نیازمندی او بازندارید و از خواسته‌های مشروعش محروم نسازید و برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی یا زمستانی و مرکب سواری و برده کاری او را نفروشید و برای گرفتن درهمی، کسی را با تازیانه زنید و به مال کسی دست‌اندازی نکنید، جز اسب یا اسلحه‌ای که برای تجاوز به مسلمان‌ها به کار گرفته می‌شود».

و یا در نامه ۵۳ با علم به اینکه اجرای عدالت دشواری‌های متعدد دارد می‌فرماید: «حق را به صاحب حق، هر کس که باشد، نزدیک یا دور، بپرداز و در این کار شککیا باش و این شککیایی را به حساب خدا بگذار، گر چه اجرای حق مشکلاتی برای نزدیکانت فراهم آورد، تحمل سنگینی آن را به یاد قیامت بر خود هموار ساز» و یا در مواجهه با درخواست برخی زیاده‌خواهان و ویژه‌خواران زمان که از ایشان درخواست سهم بیشتری از بیت‌المال داشتند با لحنی عتاب‌آلود می‌فرماید: «آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند تا عمر دارم و شب و روز برقرار است و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد. اگر این اموال از خودم بود به گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد که جزو اموال خداست...».

ایشان حتی در ارتباط با رفتار عادلانه با دشمن، حساسیت ویژه‌ای دارند و لذا در وصیت خود به حسن و حسین علیهم‌السلام پس از ضربت خوردن که در قالب نامه ۴۷ آمده است چنین می‌فرماید: «ای فرزندان عبدالمطلب: مبدا پس از من دست به خون مسلمین فرو برید [و دست به کشتار بزنید] و بگویید، امیرمؤمنان کشته شد، بدانید جز کشته شدن من کسی دیگر نباید کشته شود. درست بنگرید اگر من از ضربت او مردم، او را تنها یک ضربت بزنید و دست و پا و دیگر اعضای او را مبرید...». ایشان در مناسبت‌های مختلف نسبت به آثار بی‌عدالتی هشدار می‌دهند و همگان را به اجتناب از این ردیلت اخلاقی منع می‌نمایند، از جمله: «عدالت را بگستران و از ستمکاری پرهیز کن، که ستم، رعیت را به آوارگی کشاند و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می‌انجامد».

## ۲-۲-۲. ابعاد و مؤلفه‌های نوین هوش اخلاقی در نهج‌البلاغه

در پاسخ به پرسش دوم تحقیق که به دنبال یافتن مؤلفه‌های تازه‌ای برای هوش اخلاقی بود و با عنایت به مفهوم کلی هوش اخلاقی، در خلال بررسی متن کتاب گران‌سنگ نهج‌البلاغه، نگارندگان دریافته‌اند که هوش اخلاقی دارای مؤلفه‌های دیگری نیز می‌باشد که در پژوهش‌های پیشین مغفول مانده است و در نهایت سه مؤلفه جدید به مجموعه عناصر موجود در ادبیات هوش اخلاقی اضافه گردید که عبارتند از: داشتن معنا در زندگی، آخرت‌اندیشی و باور به نظارت مستمر الهی. برخوردار از این خصوصیات، به شدت بر زیست اخلاقی پایدار اثرگذار است. این عناصر در جدول (۳) درج گردیده و در ادامه به شکل تفصیلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱. خطبه ۱۲۶

۲. حکمت ۴۷۶

جدول ۳: مؤلفه‌های جدید هوش اخلاقی برگرفته از متن نهج البلاغه

داشتن معنا در زندگی	خطبه ۶۳، خطبه ۶۴، خطبه ۱۲۰، نامه ۴۵
آخرت‌اندیشی	خطبه ۳۲، خطبه ۵۴، خطبه ۶۴، خطبه ۸۳، خطبه ۸۶، خطبه ۱۲۰، خطبه ۱۵۲، خطبه ۱۵۷، نامه ۴۵، نامه ۵۹، خطبه ۲۲۳، خطبه ۲۲۶، نامه ۲۲، حکمت ۲۶۹
باور به نظارت مستمر الهی	خطبه ۸۳، خطبه ۸۶، خطبه ۹۰، خطبه ۹۱، خطبه ۱۳۱، خطبه ۱۵۱، خطبه ۱۵۷، خطبه ۱۶۳، خطبه ۱۷۸، خطبه ۱۹۸، خطبه ۱۹۹، حکمت ۳۲۴

### ۲-۲-۱. داشتن معنا در زندگی

پرسش از چیستی معنای زندگی، پرسشی است که در عمق وجود انسان و برای همه افراد مطرح است (محمدی احمدآبادی، ۱۳۹۶: ۷)؛ اما علیرغم اینکه بخش قابل توجهی از عناصر تشکیل دهنده هوش اخلاقی مستلزم وجود معنا در زندگی انسان می‌باشد، این مفهوم تاکنون از نگاه صاحب‌نظران مغفول مانده و در این پژوهش به ادبیات هوش اخلاقی اضافه شده است. از منظر روانشناختی، وجود معنا در زندگی یکی از مفاهیمی است که در ادبیات پژوهشی اخیر به‌عنوان یکی از عناصر مهم بهزیستی روانشناختی محسوب می‌شود که با شادکامی، رضایت از زندگی، سلامت عمومی، شاکر بودن و عزت‌نفس رابطه مثبت دارد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۲). از نظر روان‌شناسان معناگرا، انسان‌ها در زندگی به دنبال معنا و مفهومی در زندگی هستند و اگر نتوانند معنایی در زندگی خود بیابند احساس پوچی به آنها دست می‌دهد و از زندگی ناامید شده و ملالت و خستگی از زندگی تمام وجود ایشان را فرا خواهد گرفت؛ بنابراین با افزایش معنا در زندگی شاهد افزایش سلامت روانی و کاهش نشانه‌های مرضی و اختلال‌های روانی خواهیم بود (پرزور و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۶۸). برخورداری از معنا در زندگی، انسان‌ها را از انجام اعمالی که با ماهیت وجودی انسان و ارزش‌های اخلاقی فاصله دارد باز می‌دارد و اتفاقاً یکی از علل کمال اخلاقی در شیوه زندگی امام علی علیه‌السلام همین نوع نگاه به زندگی و فلسفه خلقت است. آنجا که در نامه ۴۵ خطاب به فرماندار بصره می‌نویسند: «آیا سزاوار است که چرندگان، فراوان بخورند و راحت بخوابند و گله گوسفندان پس از چرا کردن به آغل رو کنند و علی نیز [همانند آنان] از زاد و توشه خود بخورد و استراحت کند؟ چشمش روشن باد که پس از سالیان دراز، چهارپایان رها شده و گله‌های گوسفندان را الگو قرار دهد» و نیز در خطبه ۶۳ در خصوص جایگاه و کارکرد زندگی دنیوی می‌فرمایند: «آگاه باشید دنیا خانه‌ای است که کسی در آن ایمنی ندارد جز آن که به جمع‌آوری توشه آخرت پردازد و از کارهای دنیایی کسی نجات نمی‌یابد. مردم به‌وسیله دنیا آزمایش می‌شوند، پس هر چیزی از دنیا را برای دنیا به‌دست آورند از کفشان بیرون می‌رود و بر آن محاسبه خواهند شد و آنچه را در دنیا برای آخرت تهیه کردند به آن خواهند رسید و با آن خواهند ماند». معنای زندگی در کلام مولا در خطبه ۶۴ نیز بدین شکل قابل مشاهده است: «... خدای سبحان شما را بیهوده نیافرید... از این خانه دنیا زاد و توشه بردارید که فردای رستخیز نگهبانتان باشد».

### ۲-۲-۲. آخرت‌اندیشی

باور به پایان و عاقبت کارها، تصمیمات و رفتارها، یکی از متغیرهای کلیدی در انجام عمل اخلاقی است. این مقوله اگرچه در قلمرو مفهوم هوش اخلاقی بسیار تعیین‌کننده است اما بدلیل اینکه مفهوم مذکور در

دنیای غرب متولد شده و رشد کرده، لذا پرداختن به این خصوصیت میسر نبوده است؛ اما در بستر فرهنگ ایرانی- اسلامی به خوبی می‌توان آخرت‌گرایی را در زمره مؤلفه‌های تکمیل‌کننده هوش اخلاقی در نظر گرفت و بدین‌سان بر غنای این مفهوم افزود.

آخرت‌گرایی مفهوم و کیفیتی است که در پی ایمان به آخرت و زندگی جاوید مطرح می‌شود و به معنی داشتن بینش و شناخت نسبت به وجود جهانی ماورای دنیای مادی است (میکائیلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۳). به همان نسبت که دنیاگرایی و غوطه‌ور شدن در مادیات، انسان را از خود بیگانه می‌سازد و به قید اسارت درمی‌آورد، عبادت و پایبندی به آخرت انسان را به خویشتن بازمی‌گرداند و از تاریکدان غفلت و ناخودآگاهی می‌رهاند (میرزاحمد، ۱۳۹۱: ۱۴۰). ایمان به آخرت و درک مفهوم آخرت‌گرایی بر این اساس استوار است که در انسان، حقیقتی وجود دارد که با متلاشی شدن بدن از بین نمی‌رود (طوبایی، ۱۳۸۵: ۱۹). حضرت در خطبه ۸۳ ترسیمی عینی از فضای رستاخیز به دست می‌دهند: «تا آنجا که امور زندگانی پیاپی بگذرد و روزگاران سپری شود و رستاخیز برپا گردد، در آن زمان، انسان‌ها را از شکاف گورها و لانه‌های پرندگان و خانه درندگان و میدان‌های جنگ، بیرون می‌آورد که با شتاب به سوی فرمان پروردگار می‌روند» و یا در خطبه ۲۲۳ می‌فرمایند: «آنگاه که زمین سخت بلرزد و نشانه‌های هولناک قیامت تحقق پذیرد و پیروان هر دینی به آن ملحق شوند و هر پرستش‌کننده به معبود خود و هر اطاعت‌کننده‌ای به فرمانده خود رسد، نه چشمی برخلاف عدالت و برابری در هوا گشوده و نه قدمی برخلاف حق، آهسته در زمین نهاده می‌شود، در آن روز چه دلیل‌هایی که باطل می‌گردد و عذرهایی که پذیرفته نمی‌شود، پس در جستجوی عذری باش که پذیرفته شود و دلیلی به جوی که استوار باشد و از دنیای فانی برای آخرت جاویدان توشه بردار و برای سفر آخرت وسایل لازم را آماده کن و چشم به برق نجات بدوز و بار سفر بریند». امام علی (ع) ما را به اندک بودن مجال دنیا متذکر شده و به اندوختن توشه راه آخرت اندرز می‌دهند: «در این دنیای نابود شدنی برای زندگی جاویدان آخرت، توشه بگیرید، که شما را به زاد و توشه راهنمایی کردند و به کوچ کردن از دنیا فرمان دادند و شما را برای پیمودن راه قیامت برانگیختند»؛ و همچنین در خطبه ۸۶ می‌فرمایند: «هر کس از شما در روزگاری که مهلت دارد به اعمال نیکو پردازد پیش از آن که مرگ فرا رسد و در ایام فراغت پاک باشد، پیش از آن که گرفتار شود و در ایام رهایی نیکوکار باشد، پیش از آن که مرگ گلوگاه او را بفشارد، پس برای خود و جایی که می‌رود آماده باشد...». نگاه عبرت‌آموز امام علی (ع) در خطبه ۲۲۶ گویای کارکرد عمیق آخرت‌گرایی در کیفیت زندگی اخلاقی انسان است: «شما هم راهی را خواهید رفت که آنان رفته‌اند و در گرو خانه‌هایی قرار خواهید گرفت که آنها قرار دارند و گورها شما را به امانت خواهند پذیرفت، پس چگونه خواهید بود که عمر شما به سر آید و همچون مردگان از قبرها برخیزید؟».

### ۲-۲-۳. باور به نظارت مستمر الهی

باور داشتن به نظارت مستمر از سوی نیرویی والاتر تا حد زیادی نیاز به کنترل‌های بیرونی را غیرضروری نموده و رفتار اخلاقی را حتی در خلوت‌ترین زوایای زندگی انسان تضمین خواهد نمود. این باور، به شدت از

سوی مولای متقیان حمایت شده و ایشان عملاً بر مبنای آن حرکت نموده‌اند. همچنان که در خطبه ۸۶ می‌خوانیم: «خدا به تمام اسرار نپهان، آگاه و از باطن همه باخبر است، به همه چیز احاطه دارد و بر همه چیز غالب و پیروز و بر همه چیز تواناست» و یا در خطبه ۹۱ عمق این اعتقاد را کاملاً احساس می‌کنیم: «خداوند از اسرار پنهانی مردم و از نجوای آنان که آهسته سخن می‌گویند و از آنچه که در فکرها به واسطه گمان خطور می‌کند و تصمیم‌هایی که به یقین می‌پیوندد و از نگاه‌های رمزی چشم که از لابه‌لای پلک‌ها خارج می‌گردد، آگاه است» و نیز در خطبه ۹۰ می‌فرماید: «خدا، روزی مخلوقات را تقسیم کرد و کردار و رفتارشان را برشمرد، از نفس‌ها که می‌زنند و نگاه‌های دزدیده که دارند و رازهایی که در سینه‌ها پنهان کردند و جایگاه پدیده‌ها را در شکم مادران و پشت پدران تا روز تولد و سرآمد زندگی و مرگ، همه را می‌داند» و به‌عنوان شاهدهی دیگر در خطبه ۱۵۷ فرموده‌اند: «ای بندگان خدا بدانید که از شما نگاهبانانی بر شما گماشته‌اند و دیدبان‌هایی از پیکرتان برگزیده و حافظان راستگویی که اعمال شما را حفظ می‌کنند و شماره نفس‌های شما را می‌شمارند، نه تاریکی شب شما را از آنان می‌پوشاند و نه دری محکم شما را از آنها پنهان می‌سازد». چنین باوری می‌تواند حتی ذهن آدمی را از پرداختن به امور غیراخلاقی بازدارد و همواره او را در مسیر سلامت نگهدارد.

### نتیجه‌گیری

پژوهش‌های انجام شده در زمینه هوش اخلاقی غالباً در سه دسته کلی قابل طبقه‌بندی می‌باشند: یک گروه از مطالعات، هوش اخلاقی را به‌عنوان متغیری مستقل در نظر گرفته و به بررسی تأثیر آن بر سایر متغیرها از جمله سلامت روان، سبک مدیریت، رفتارهای اخلاقی، شیوه تصمیم‌گیری، معنای زندگی و امثال آن پرداخته‌اند. گروهی دیگر از پژوهشگران به کارکردهای هوش اخلاقی در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی توجه نموده‌اند. برخی نیز براساس عناصر سازنده هوش اخلاقی، به اندازه‌گیری آن در جوامع آماری مختلف از جمله دانشجویان، مدیران، کارکنان و پرستاران بسنده نموده‌اند؛ اما در خصوص مؤلفه‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده این مفهوم مخصوصاً در داخل کشور پژوهشی صورت نگرفته و تمامی محققانی که در دسته‌های سه‌گانه فوق فعالیت نموده‌اند، مبنای کار خود را براساس نتایج مطالعات لنینک و کیل (۲۰۰۳) و یا بوربا (۲۰۰۵) قرار داده‌اند و در جهت توسعه مؤلفه‌های آن تحقیق خاصی اجرا نشده است. لنینک و کیل هوش اخلاقی را مرکب از چهار عامل درستکاری، مسئولیت‌پذیری، بخشش و دلسوزی می‌دانستند. البته این دو محقق در سال ۲۰۱۱ با همکاری جوردن عناصری را بر این موارد افزودند که عبارتند از: رفتار مستمر در جهت اصول، ارزش‌ها، راستگویی، ایستادگی برای حق، وفای به‌عهد، اقرار به اشتباهات و شکست‌ها و اهمیت دادن به دیگران. از سویی، بوربا هوش اخلاقی را شامل همدلی، وجدان، خویشتنداری، احترام، مهربانی، بردباری و انصاف توصیف نموده است؛ بنابراین پژوهش حاضر تنها مطالعه‌ای در داخل کشور محسوب می‌شود که تلاش نموده بر تعداد عناصر تشکیل‌دهنده هوش اخلاقی بیفزاید و از آنجا که نهج‌البلاغه از غنای بسیار بالایی در این زمینه برخوردار است به‌عنوان مرجع محوری این تلاش انتخاب

گردیده است. نزدیک‌ترین و شاید تنها مطالعه در این زمینه مربوط به مقاله مختاری پور و سیادت (۱۳۸۸) می‌شود که تلاش نمودند مصادیق هوش اخلاقی را براساس عناصر معرفی شده توسط لنینک و کیل و بوربا در منابع اسلامی احصاء نمایند. براساس یافته‌های این محققان، عناصر انصاف، مهربانی، خودکنترلی، توجه و احترام به دیگران و وجدان از نظریه بوربا و نیز سه عامل درستکاری، بخشش و مسئولیت‌پذیری از نظریه لنینک و کیل بیشتر در منابع دینی مورد تأکید قرار گرفته است؛ بنابراین در پژوهش ایشان نیز هدفی برای بسط مؤلفه‌های هوش اخلاقی در نظر گرفته نشده است. در نتیجه پژوهش حاضر، در کنار شناسایی مصادیق هوش اخلاقی در نهج‌البلاغه که در گذشته از سوی صاحب‌نظران مطرح گردیده بود، براساس ماهیت هوش اخلاقی، سه مؤلفه تازه به جمع عناصر پیشین اضافه گردید که عبارتند از داشتن معنا در زندگی، آخرت‌اندیشی و باور به نظارت مستمر الهی. این عناصر براساس شواهد متعدد که در جدول ۳ به آنها اشاره شده است شناسایی شده‌اند.

همانگونه که تشریح شد، نقش هوش اخلاقی در زندگی انسان، همچون چراغی است که سایر هوش‌های بشری را در تاریکی‌های زندگی، به سوی مسیر درست هدایت می‌نماید. این نوع از هوش، قابلیت تشخیص درست از نادرست و توانایی تحمل دشواری‌ها و مصائب فراروی زندگی اخلاقی را در انسان تقویت نموده و به او کمک می‌کند تا همواره در جاده اخلاق‌گرایی قدم بزند. اینکه چرا هوش اخلاقی از چنین ظرفیتی برای هدایت سلوک انسان‌ها برخوردار است به عناصر تشکیل‌دهنده آن بازمی‌گردد. مؤلفه‌هایی از جمله رفتار مستمر در جهت ارزش‌های اخلاقی، خودکنترلی، ایستادگی برای حق، اهمیت قائل شدن برای دیگران، وفای به عهد، صداقت، عدالت و انصاف، پذیرش مسئولیت تصمیمات خود، توانایی بخشش خود، توانایی بخشش دیگران، مهربانی و نوع‌دوستی، خصوصیات برجسته‌ای هستند که مجموعه آنها برای یک زیست اخلاقی تمام‌عیار ضروری است. افرادی که دارای هوش اخلاقی بالایی هستند، دارای یک زندگی معنادار و هدفمند بوده و خود را در این دنیای بزرگ، بیپه‌وده و معلق تلقی نمی‌کنند بلکه برای خود به‌عنوان انسان، مأموریتی باشکوه که همانا فعلیت بخشیدن به استعداد ویژه انسان شدن و کمال یافتن است، تعریف می‌نمایند. انسان‌های دارای هوش اخلاقی مطلوب، همیشه و در هر شرایطی خود را مکلف به اخلاقی زیستن می‌دانند چراکه به وجود نیرویی ماورایی که همواره نظاره‌گر ایشان است باور دارند و براساس همین باور هیچ‌گاه از مسیر درست منحرف نخواهند شد و چنانچه در شرایطی از راه درست عدول نمایند براساس توانایی‌های دیگری همچون پذیرش خطاها، خودکنترلی و بخشش خود می‌توانند به‌سرعت به طریق ثواب بازگشته و به حرکت خود ادامه دهند. در شرایطی که در دنیای امروز، علوم با سرعتی سرسام‌آور در حال پیشروی است و انسان مبهوت سرعت شگفت‌انگیز خود در درنوردیدن جهان دانش شده است، با نگاهی دقیق‌تر به داشته‌های ارزشمند خویش درمی‌یابیم که چگونه در فاصله قرن‌ها پیشتر، مولای متقیان به موضوعاتی اشراف داشته و اشاره نموده‌اند که امروزه بشر با حجم انبوه دانش خود به بخشی از آنها دست یافته است. این ژرف‌اندیشی به‌ویژه در قلمرو انسان‌شناسی به اوج می‌رسد و گویی مضامین انسان‌شناسانه نهج‌البلاغه را هرگز پایانی



قابل تصور نیست. در این مقاله که نگارندگان با دانش اندک خود به شکار مفاهیم مرتبط با ماهیت هوش-اخلاقی در لابه‌لای اندیشه‌های آن حضرت پرداختند، به‌شمار زیادی از مطالب زیبا و ناب دست یافتند که منجر به توسعه مؤلفه‌های هوش‌اخلاقی گردید و این اقدام کوچک می‌تواند نویددهندهٔ افق‌های امیدوارکننده‌تری در قلمرو نهج‌البلاغه پژوهی با موضوع هوش‌اخلاقی باشد. چرا که اگر فضلاً، صاحب‌نظران و دانشمندان مرتبط با موضوع همت گمارده و به کاوش عمیق‌تر اندیشه‌های امام علی(ع) و به‌طور کلی میراث به جای مانده از معصومین بپردازند، قطعاً به یافته‌های ارزشمندتری دست خواهند یافت که می‌تواند به جهانیان عرضه گردد. نتایج این پژوهش می‌تواند مبنای تحقیقات متعددی قرار گیرد تا در فضاهای مختلف زندگی انسانی به شکل میدانی مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های این مطالعات میدانی که در حوزه‌های روانشناسی فردی و اجتماعی، محیط‌های سازمانی مختلف، علوم تربیتی، آموزش خانواده و امثال آن انجام خواهد شد، می‌تواند به بهبود و توسعهٔ سطح اخلاقیات در این عرصه‌ها یاری رسانده و همزمان، سهم دانش بومی ما را در تکوین و تکامل مفاهیم جهانی افزایش دهد.

## منابع

- آراسته، حمیدرضا؛ عزیزی‌شماسی، مصطفی؛ جعفری‌راد، علی و محمدی‌جوزانی، زهره. (۱۳۸۹). «بررسی وضعیت هوش اخلاقی دانشجویان». **نشریه راهبرد فرهنگ**، ۱۰ و ۱۱، ۲۱۴-۲۰۱.
- ابطی، سید حسین. (۱۳۸۸). «ارائه الگوی خودکنترلی در سازمان با نگرش اسلامی». **ماهنامه تدبیر**. شماره ۲۱۳، ۲۸-۲۳.
- اسلامی اردکانی، سید حسن. (۱۳۹۴). «چرا باید اخلاقی زیست؟ تبیین اسلامی». **فصلنامه پژوهش‌نامه اخلاق**. سال هشتم، شماره ۲۷، ۲۶-۷.
- اسماعیلی، مصطفی فانی، مهدی و کرمخانی مرضیه. (۱۳۹۵). «ساختار مفهومی سلامت معنوی در منابع اسلامی (قرآن و نهج-البلاغه)». **فصلنامه پژوهش در دین و سلامت**، ۳(۱)، ۱۰۱-۹۱.
- الهی‌منش، رضا و ولی‌پورچهارده چریک، فلور. (۱۳۹۵). «جامعیت انسان کامل در نهج‌البلاغه». **پژوهشنامه عرفان**، شماره ۱۵، ۱۷-۱.
- ایمانی‌فر، حمیدرضا؛ فاطمی، جمیله و امینی، فاطمه. (۱۳۹۱). «بخشش از دیدگاه روان‌شناسی و قرآن کریم». **نشریه انسان پژوهی دینی**. سال نهم، شماره ۲۷، ۱۷۵-۱۴۹.
- بختیاری، زهره. (۱۳۸۹). «جایگاه وفای به عهد و پیمان در سیره نبوی». **فصلنامه فرهنگ پژوهش**. سال دوم، شماره ۶، ۷۶-۷۲.
- بردبار، غلامرضا؛ میرزاد، نگار و فرزین‌فر، زهره. (۱۳۹۴). «شناسایی و رتبه‌بندی سنجه‌های هوش اخلاقی در مدیران گروه‌های آموزشی مبتنی بر نهج‌البلاغه (مطالعه موردی دانشگاه یزد)». **فصلنامه مدیریت در دانشگاه اسلامی**، سال چهارم، شماره ۱، ۹۶-۷۷.
- بسیح، احمدرضا. (۱۳۸۹). «انسان کامل در نهج‌البلاغه». **فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی**، دوره ۱، شماره ۱، ۴۶-۲۷.
- بوربا، میکله. (۱۳۹۰). **پرورش هوش اخلاقی**. ترجمه فیروزه کاوسی. تهران: انتشارات رشد.
- پرزور، پرویز؛ نریمانی، محمد؛ شجاعی، احمد و ابراهیمی، مرتضی. (۱۳۹۴). «نقش امید (با نگرش به منابع اسلامی)، معنای زندگی و باورهای غیرمنطقی در پیش‌بینی رغبت به ازدواج دانشجویان». **فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی**، سال پنجم، شماره ۳، ۳۸۴-۳۶۵.
- جهان‌پور، کبری و جعفری، محمدمهدی. (۱۳۹۳). «فواید و راه‌های گسترش وفای به عهد از نظر امیرالمؤمنین علی(ع)». **نشریه کتاب و سنت**. دوره دوم، پیاپی، ۳، ۶۶-۵۵.
- خالقی، نرگس و چناری، مهین. (۱۳۹۴). «رابطه هوش اخلاقی با نوع‌دوستی». **فصلنامه اخلاق در علوم و فن‌آوری**. سال دهم، شماره ۴، ۶۴-۵۵.
- خواجه‌نوری، بیژن؛ مساوات، سید ابراهیم و ریاحی، زهرا. (۱۳۹۳). «رابطه سبک زندگی و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی». **نشریه جامعه‌پژوهی فرهنگی**، سال پنجم، شماره ۴، ۳۶-۱۹.
- دشت بزرگی، زهرا و صفرزاده، سحر (۱۳۹۳). «مقایسه نوع‌دوستی، حس همدلی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی». **مجله روان‌شناسی اجتماعی**، سال نهم، شماره ۳۱، ۱۱۶-۱۰۵.

- دشتی، محمد. (۱۳۸۸). **ترجمه نهج البلاغه**، قم: انتشارات مشرقین.
- رضایی هفتاد، حسن؛ نصیریان، صفر و ریاحی مهر، باقر. (۱۳۹۷). «بررسی تحول روانی انسان از منظر معارف اسلامی با تأکید بر نهج البلاغه». **فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه**، ۶(۲۲)، ۱۹-۳۷.
- سلیمانی، مریم. (۱۳۹۴). «بررسی سنت توبه و اعتراف به گناه از دیدگاه اسلام و مسیحیت». **فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسان**، سال اول، شماره ۶، ۳۷-۴۷.
- صادقی نیری، رقیه و الهیاری نژاد، مریم. (۱۳۹۲). «مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی در نهج البلاغه». **فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه**، ۱(۱)، ۶۳-۷۴.
- طاهری لاری، مسعود؛ شکاری، غلامعباس و اعتمادی خواه، علی. (۱۳۹۳). «بررسی نقش میانجی رهبری تحول‌گرا در رابطه بین هوش اخلاقی مدیران و رضایت شغلی کارکنان». **پژوهشنامه مدیریت تحول**، سال ششم، شماره ۱۱، ۴۸-۷۲.
- طوبایی، محمدتقی. (۱۳۸۵). «مروری بر جایگاه آخرت‌گرایی در مدیریت اسلامی و تأثیر آن در حوزه برنامه‌ریزی». **فصلنامه اندیشه صادق**، شماره ۲۳، ۴۰-۱۸.
- علیزاده ثانی، محسن؛ مدهوشی، مهرداد و محبی، لیلیا. (۱۳۹۳). «رابطه صداقت رفتاری با اثربخشی رهبران در سازمان‌ها». **فصلنامه اخلاق در علوم و فن‌آوری**، سال نهم، شماره ۲، ۹-۱.
- غفاری، ابوالفضل و رضوی، زهرا. (۱۳۹۱). **خودکنترلی در نظریه خودتعیین‌گری و اندیشه‌های امام علی(ع)**، ششمین سمینار بهداشت روانی دانشجویان. دانشگاه گیلان، ۲۸-۲۷ اردیبهشت.
- غیائی، نقی. (۱۳۹۷). «بازجست ساحت‌های وجودی انسان از منظر نهج البلاغه». **فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه**، ۶(۲۲)، ۱۸-۱.
- قنبری، سیروس و کریمی، ایمان. (۱۳۹۵). «مؤلفه‌های هوش معنوی در نهج البلاغه». **فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه**، ۴(۱۳)، ۹۹-۱۱۹.
- قنبری، بخشعلی. (۱۳۸۹). «توکل در نهج البلاغه». **دوفصلنامه اسلام پژوهی**، شماره ۴، ۸۴-۶۱.
- قنبری بخشعلی. (۱۳۹۲). «عدالت به مثابه مقام عرفانی در نهج البلاغه». **فصلنامه عرفان اسلامی**، سال ۱۱، شماره ۴۲، ۱۷۲-۱۴۵.
- کاویانی، محمد و موسوی، سمیه سادات. (۱۳۸۹). «تحلیل روانشناختی دیدگاه مولوی در موضوع نوع‌دوستی». **دوفصلنامه علامه**، سال دهم، پیاپی، ۲۶، ۹۷-۱۲۶.
- گرامیان، سید علی. (۱۳۹۵). **ارزش و اهمیت اخلاق**، روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۳ آبان.
- محمدی احمدآبادی، احمد. (۱۳۹۶). «نقش ایمان در معنابخشی به زندگی از منظر اسلام». **فصلنامه آیین حکمت**، سال نهم، شماره مسلسل ۳۲، ۷-۳۸.
- محمدی، سمیه؛ نخعی، نوذر؛ برهانی، فریبا و روشن‌زاده، مصطفی. (۱۳۹۲). «ابعاد هوش اخلاقی در حرفه‌ی پرستاری یک مطالعه‌ی توصیفی-مقطعی در شرق ایران». **مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی**، دوره ۶، شماره ۵، ۵۷-۶۶.

- محمدی، مسلم و محمدی، مرضیه. (۱۳۹۰). «تأثیر دو باور اعتقادی توحید و معاد بر اخلاق در نهج‌البلاغه». **فصلنامه پژوهشنامه اخلاق**، سال ۴، شماره ۱۱، ۸۵-۱۰۴.
- معارف، مجید. (۱۳۹۳). «درآمدی بر مفهوم صدق، مراتب و آثار آن از منظر نهج‌البلاغه». **فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی**، سال ۱۱، شماره ۳۱، ۱۸-۱.
- معینی‌پور، مسعود؛ لکزایی، رضا و ظریفیان، محمدحسین. (۱۳۹۴). «تبیین سبک زندگی مؤمنانه براساس خطبه ۱۹۳ نهج‌البلاغه». **فصلنامه پژوهشنامه اخلاق**، سال ۸، شماره ۲۷، ۱۲۴-۱۰۳.
- میرزاحمد، علیرضا. (۱۳۹۱). «دنیا در مکتب موعظه‌ای امام علی (ع)». **پژوهش‌نامه علوی**، سال سوم، شماره ۲، ۱۴۰-۱۲۵.
- میکائیلی، فرزانه؛ نوری‌زاد، نرگس و هاشمی، سهیلا. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه آخرت‌نگری، هدفمندی در زندگی امید و نگرش تحصیلی با عملکرد تحصیلی». **فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی**، سال نهم، شماره ۳۶، ۲۰۷-۱۸۱.
- نادری، لیلا؛ مولوی، حسین و نوری، ابوالقاسم. (۱۳۹۶). «پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان». **دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی**، دوره ۱۶، شماره ۴، ۷۵-۶۹.
- نخعی مقدم، مسعود و فانی، مهدی. (۱۳۹۵). «نگاهی به سلامت معنوی در گزاره‌های نهج‌البلاغه». **فصلنامه پژوهش در دین و سلامت**، ۲(۲)، ۵۹-۶۵.
- نریمانی، محمد و غفاری، مظفر. (۱۳۹۴). «نقش هوش اخلاقی و اجتماعی در پیش‌بینی تاب‌آوری و کیفیت زندگی والدین کودکان دارای ناتوانی یادگیری». **مجله ناتوانی‌های یادگیری**، ۵(۲)، ۱۲۸-۱۰۶.
- نصرافهانی، علی؛ حاجیان، طالب؛ کریمی، مهدی و رضوانی، سید مرتضی. (۱۳۹۱). «بررسی تحمل و مدارا در رهبری سازمان با تکیه بر دیدگاه نهج‌البلاغه». **فصلنامه مدیریت اسلامی**، سال ۲۰، شماره ۲، ۱۳۰-۱۱۳.
- ولیخانی، ماشاالله؛ انصاری، محمداسماعیل و سپیانی، مریم. (۱۳۹۱). «بررسی میزان هوش اخلاقی مدیران و تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی سازمان». **فصلنامه علوم اجتماعی**، سال ششم، شماره ۱۸، ۱۹۸-۱۷۱.